

منافع تصمیمات هوشمندانه

منصور حقیقت‌پور در گفت‌وگو با «اعتماد» از خطر برخوردهای جناحی افراطیون در مواجهه با مسائل منطقه‌ای می‌گوید

مهدی بیک اوغلی

با مرور برخی رسانه‌ها در روزهای اخیر، متوجه خط رسانه‌ای عجیبی می‌شویم که در آن به جای همراهی با رویکردهای اصلی کشور مدام بر طبل اتخاذ تصمیمات شتابزده و هیجانی کوبیده می‌شود. این در حالی است که کارشناسان معتقدند در شرایط فعلی بیشتر از هر عامل دیگری، کشور به رویکردهای خردمندانه و راهبردهای دوراندیشانه نیاز دارد.

برخلاف برخی رسانه‌های حاکمیتی که مدام با طرح این پرسش که چرا دولت اقدام به شلیک موشک‌های بالستیک نمی‌کند؟ دولت را می‌نوازند منصور حقیقت‌پور، فعال سیاسی اصلاح‌طلب معتقد است در قانون اساسی ایران این شورای عالی امنیت ملی کشور به عنوان یک نهاد بالادستی است که در مسائل راهبردی وظیفه تعیین نقشه راه و انجام سیاست‌گذاری‌ها را به عهده دارد. شورایی که سران و مقامات سه قوه همراه با متولیان نیروهای مسلح در آن عضویت دارند و مبتنی بر شرایط خاص کشور، منطقه و جهان وظایف هر کدام از بخش‌های اجرایی را تعیین می‌کنند. در واقع دولت نه تصمیم‌گیر نهایی بلکه تنها مجری سیاست‌هایی است که شعام ترسیم می‌کند. حقیقت‌پور در عین حال معتقد است اتخاذ رویکردهای جناحی و سیاسی در مواجهه با مسائل راهبردی و ملی مانند سم مهلکی است که به مصالح عمومی و منافع ملی آسیب می‌رساند.

این روزها در شرایط حساس منطقه‌ای، برخی جریان‌ات تلاش می‌کنند در آتش التهاب بدمند. این گروه‌ها از دولت انتقاد می‌کنند. بعضا این افراد در رسانه‌های رسمی هم این مطالبات را مطرح می‌کنند. شما فکر می‌کنید بهترین تصمیم برای مواجهه با بحران فعلی چیست؟

شرایط به شدت حساس است و ایران باید با دقت و مطالعه مناسب عمل کند. به نظرم مقامات مسوول کشورمان در مواجهه با رخدادها، هوشمندانه، پخته و اصولی عمل کرده و تصمیم درست را در راستای منافع ملی کشور اتخاذ می‌کنند. در این روزهای حساس، مسوولان همه جوانب را باید ببینند و نهایتاً کاربردی‌ترین، ارزان‌ترین و موثرترین راهبرد را انتخاب کنند. راهکار انتخاب شده برای مواجهه با رفتارهای جنون‌آمیز اسرائیل و نتانیاهو ممکن است شبیه به وعده صادق باشد یا اینکه راهبرد متفاوتی اتخاذ شود. نهایتاً باید اجازه داده شود مدیران و مقامات مسوول کشور در این مقطع حساس تصمیم بگیرند. رسانه‌ها هم موظف هستند در این خطوط کلی نظام حرکت کنند و نباید در شرایط فعلی ساز جداگانه زد.

وظیفه شورای عالی امنیت ملی کشور هماهنگ کردن تمام این قطعات مختلف پازل با سیاست‌های کلان نظام است. شخصاً منتقد رویکردهای صدا و سیما در مواجهه با این حوادث هستم. من شنیدم که مجری و کارشناس برنامه می‌گفت، بهترین زمان حمله برای انتقام گرفتن از رژیم اسرائیل زمانی است که رییس‌جمهور در سازمان ملل در حال نطق است. این روند را مناسب نمی‌دانم. صدا و سیما و سایر رسانه‌های حاکمیتی باید سیاست‌های متخذه نظام را حمایت کنند نه اینکه باعث به وجود آوردن دو قطبی در خصوص حمله کردن یا حمله نکردن شوند. نهایتاً هم توپ را به زمین دولت می‌اندازند!

اگر مقامات ارشد کشور تصمیم گرفتند که پاسخ داده شود همه باید از آن حمایت کنیم و اگر تصمیم به صبر استراتژیک شد، همه باید از این تصمیم تبعیت کنند. ما حق نداریم یکدستی و وفاق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور را با تندروی و رفتارهای رادیکال به هم بریزیم. ما باید تابع سیاست‌ها، مقررات، ضوابط و... نظام باشیم و از آن حمایت کنیم.

اساساً کدام نهاد و کدام ساختار در ایران در خصوص یک چنین مواردی تصمیم‌سازی می‌کند؟ آیا دولت به تنهایی مسوول اتخاذ این نوع تصمیمات است؟

سیاست‌های کلان این‌چنینی در اختیار نهاد شورای عالی امنیت ملی است که نهادی فراقوه‌ای است. اتفاقاً دبیر این نهاد همان فردی است که از زمان دولت سیزدهم فعالیت‌های خود را آغاز کرده است. دولت در این زمینه به تنهایی تصمیم‌گیر نیست و تنها مجری نهادهای بالادستی است. اگر شورای عالی امنیت ملی تصمیم بگیرد که فلان واکنش داده

شود، دولت باید اجرا کند. واکنش وزارت خارجه و نیروهای مسلح هم توسط این نهاد مشخص میشود. دولت به تنهایی در این زمینه به تنهایی نقشی ندارد. ترکیب این شورا هم با حضور سران و مدیران سه قوه همچنین نیروهای مسلح است. مصوبات شورا هم نهایتاً باید به تایید رهبر انقلاب برسد. در این مقطع حساس همه باید گوش به فرمان مقامات کشور باشند. هر تصمیمی که شورای عالی امنیت ملی گرفته، باید از سوی همه جریان‌ها و گروه‌ها پذیرفته شود.

برخوردهای جناحی و سیاسی با موضوعاتی که با منافع ملی و کلان کشور سر و کار دارد، چه خطراتی را ممکن است ایجاد کند؟

این رفتارهای جناحی در مورد موضوعات راهبردی مانند سم است و به منافع کشور آسیب می‌زنند. در نظام تصمیم گرفته میشود که برجام اجرایی شود. 4 نفر تندرو جلوی مصوبه را می‌گیرند، ابراز دلوایسی کرده، آن را آتش می‌زنند و اجازه اجرای آن را نمی‌دهند. هیچ کس حق ندارد از خطوط تعیین شده نظام عبور کند. کارشناس هم باشیم، تحلیل‌هایمان که برخلاف منافع ملی باشد، اثربخش نیست. فرد میتواند نظراتی داشته باشد اما وقتی فرد در تریبون صدا و سیما قرار می‌گیرد باید ارزیابی‌هایی ارائه کند که در راستای منافع ملی و مصوبات نهادهای بالادستی باشد.

مقامات مسوول کشورمان در مواجهه با رخدادها، هوشمندانه، پخته و اصولی عمل کرده و تصمیم درست را در راستای منافع ملی کشور اتخاذ می‌کنند

وظیفه شورای عالی امنیت ملی کشور هماهنگ کردن تمام این قطعات مختلف پازل با سیاست‌های کلان نظام است. شخصاً منتقد رویکردهای صداوسیما در مواجهه با این حوادث هستم.

شنیدم که مجری و کارشناس برنامه می‌گفت، بهترین زمان حمله برای انتقام گرفتن از رژیم اسراییل زمانی است که رییس‌جمهور در سازمان ملل در حال نطق است!!!

اگر مقامات ارشد کشور تصمیم گرفتند که پاسخ داده شود همه باید از آن حمایت کنیم و اگر تصمیم به صبر استراتژیک شد، همه باید از این تصمیم تبعیت کنند

در نظام تصمیم گرفته میشود که برجام اجرایی شود. 4 نفر تندرو، جلوی مصوبه را می‌گیرند، ابراز دلوایسی کرده، آن را آتش می‌زنند و اجازه اجرای آن را نمی‌دهند

چرا اسراییل سید حسن نصرالله را به شهادت رساند؟

بازی خونین «نتانیا هو»

با ترور شهید سید حسن نصرالله، تحلیل‌ها درباره معادلات آینده خاورمیانه و پاسخ احتمالی مقاومت لبنان به اسراییل افزایش یافته است. در همین راستا روزنامه اعتمادتلاش داشته تا تحولات پیش رو را از زاویه دید تحلیلگران فارین پالسی، اسپکتاتور و وال استریت ژورنال مورد بررسی قرار دهد.

1- فارین پالسی: ترور سید حسن نصرالله؛ اسراییل به دنبال رویارویی با ایران است؟

نشریه فارین پالسی در یادداشتی به قلم دانیل بایمن، کارشناس ارشد مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی و استاد دانشکده خدمات خارجی دانشگاه جورج تاون مدعی است اطلاعات دقیق رژیم اسراییل از نحوه برگزاری جلسات فرماندهان و مقامات حزب‌الله منجر به ترور سید حسن نصرالله و دیگر فرماندهان و مقامات این جنبش شده است. بایمن در ادامه مدعی است اسراییل نگران موضع‌گیری ایران است، این بازیگر خود را برای رویارویی سنگین با حزب‌الله آماده کرده و کماکان در غزه در جنگ است. از نگاه بایمن، به نظر می‌رسد ارتش اسراییل برای نیل به اهداف (ادعایی‌اش) بیشتر بر اطلاعات دقیق و دست اولی که کسب می‌کند متکی است تا به تجهیزات و نیروهای نظامی خود. آن‌طور که این تحلیلگر امور راهبردی مدعی است، اسراییل طی سال‌ها کار اطلاعاتی توانسته است داده‌های دقیقی علیه نیروی قدرتمند حزب‌الله کسب کند و به نظر ترورهای اخیر در لبنان و حملات تکنولوژیک به پیجرها و بیسیم‌های حزب‌الله نیز در همین راستا ارزیابی می‌شود. ارتش اسراییل روز شنبه اعلام کرد که نصرالله و دست کم یکی دیگر از شخصیت‌های ارشد حزب‌الله را در حمله هوایی گسترده روز جمعه ترور کرده است. ترور رهبر حزب‌الله، ضایعه بزرگی برای این گروه محسوب می‌شود. نصرالله به مدت 32 سال رهبری حزب‌الله را در بحرانی‌ترین شرایط لبنان و منطقه برعهده داشت و این گروه را به یک نیروی رزمی مهم تبدیل کرد که علیه اسراییل می‌جنگید و توانسته بود به همراه متحد قدرتمندش، ایران، به عنوان چتری بر فراز سایر گروه‌های مقاومت

منطقه عمل کند. حزب‌الله لبنان نیرویی فعال در منطقه قلمداد می‌شود، و به عقیده بایمن، این امر نتیجه فرماندهی و رهبری سید حسن نصرالله است. این تحلیلگر امور راهبردی در ادامه می‌نویسد، ترور نصرالله آخرین مورد از یک رشته ترور و عملیات اطلاعاتی است که در 30 جولای، زمانی آغاز شد که اسرائیل فواد شکر، یکی از مقامات ارشد حزب‌الله و بنیانگذار این سازمان را ترور کرد. به دنبال آن در هفته‌های اخیر، چهره‌های ارشد دیگر از جمله ابراهیم عقیل، ابراهیم قیسی، احمد وهبی و دیگر مقامات ارشد این جنبش نیز به شهادت رسیدند. به عقیده بایمن، مجموعه ترورهای رهبران حزب‌الله پس از آن رخ داد که دستگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسی اسرائیل در پیجرها و برنامه‌های تلویزیونی حزب‌الله خرابکاری کرد.

بایمن مدعی است حزب‌الله با کمک ایران دستگاه ضداطلاعاتی قدرتمندی را تعریف کرده است. اما رخنه اطلاعاتی اسرائیل در لبنان نیز برای حزب‌الله هشداردهنده است. ترور بالاترین مقامات حزب‌الله با لایه‌های محافظتی و امنیتی نشان می‌دهد دست کم در شرایط کنونی نفوذ اطلاعاتی اسرائیل در حزب‌الله زیاد است. امری که سید حسن نصرالله نیز در آخرین نطق خود به آن اشاره کرده و خواستار چاره‌ای برای آن شده بود. بایمن معتقد است سرویس‌های جاسوسی اسرائیل بیش از حماس، بر حزب‌الله متمرکز است و به نظر می‌رسد در قیاس با حماس، عملیاتش در برابر حزب‌الله موفق‌تر بوده، چراکه اسرایلی‌ها تهدید حزب‌الله را بسیار بیشتر از حماس می‌دانند. اسرائیل در ارزیابی‌های خود، توان رزمی حزب‌الله را تهدیدی در حد قوای نظامی یک کشور می‌داند. چرایی هراس اسرائیل از قدرت رزمی حزب‌الله را باید در سال 2006 و جنگ 34 روزه این بازیگر با حزب‌الله جست‌وجو کرد. در آن جنگ، به واسطه مقاومت حزب‌الله، اسرائیل ناچاراً مجبور به عقب‌نشینی شد و این امر البته تلفات و هزینه‌های هنگفتی برای این رژیم به بار آورد.

مبارزان حزب‌الله در سال 2006، در جنگی که به نظر می‌رسید از نظر اطلاعاتی در موضعی بالاتر قرار داشتند، با تمام قوا جنگیدند و بارها اسرائیل را با اهرم‌های مختلف چون شبکه تونل وسیعی که به مرز اسرائیل (سرزمین‌های اشغالی) می‌رسید، غافلگیر کردند. ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی اسرائیل در آن جنگ ضرباتی متحمل شدند. اما به نظر هرچه توان رزمی حزب‌الله در سال‌های اخیر بیشتر شده است، از توان ضدجاسوسی این بازیگر در مقابل اسرائیل کاسته شده و اسرائیل با شبکه اطلاعاتی خود که در نتیجه درس گرفتن از اشتباهاتشان در سال 2006 است، رهبران حزب‌الله را ترور کرده و رزمندگان این جنبش

را از راه دور هدف قرار می‌دهد. در ادامه با یمن مدعی است تمرکز اطلاعاتی بیش از اندازه اسرائیل بر حزب‌الله، ضربه سخت حماس در اکتبر سال گذشته به بدنه اسرائیل را در پی داشت. با یمن مدعی است با وجود اینکه اسرائیل اطلاعات دقیق و موثق مبنی بر برنامه‌ریزی حماس برای حمله به دست آورده بود، این داده‌ها از سوی استراتژیست‌های نظامی و اطلاعاتی اسرائیل رد شد، شاید که نهادهای اطلاعاتی این بازیگر تصور نمی‌کردند حماس تحت محاصره چنین قدرت اطلاعاتی و رزمی را داشته باشد که عملیاتی به این پیچیدگی را رهبری کند. در عوض، اسرائیل بر ایران تمرکز داشت. تمرکز اسرائیل بر ایران همچنین منجر به تمرکز بیشتر بر حزب‌الله شد. ایران از نیروهای ضد اسرائیلی در سوریه، عراق و یمن و همچنین در کرانه باختری و غزه حمایت می‌کند. اسرائیل نیز مدعی است برنامه هسته‌ای ایران برای هدف قرار دادن اسرائیل طراحی و توسعه داده می‌شود. بنابراین، آماده شدن برای رویارویی با ایران اولویت اصلی اسرائیل بود و مقامات این رژیم بر این باور بودند که به راحتی می‌توانند حزب‌الله، متحد ایران را با تمرکز اطلاعاتی و جاسوسی کنترل کنند. امروز همین نفوذ اطلاعاتی (ادعایی) شاید موجب شده تا اسرائیل رهبر ارشد حزب‌الله را ترور کرده و مواضع این بازیگر را هدف قرار دهد.

2- اسپکتیتور: قمار تل‌آویو؛ پای ایران و آمریکا به جنگ کشیده می‌شود؟

پل وود در یادداشتی در نشریه اسپکتیتور این پرسش را مطرح می‌کند که آیا اسرائیل قصد دارد ایالات متحده را به جنگ با ایران در منطقه بکشاند؟ پل وود با ارجاع به سخن معروف ژنرال دیوید پترائوس در مورد تهاجم به عراق که پرسید: «به من بگو چگونه این جنگ پایان می‌یابد»، معتقد است اکنون این سوال در حالی مطرح می‌شود که بمب‌ها و موشک‌های اسرائیل به لبنان می‌رسند و موشک‌های حزب‌الله در پاسخ به آن به سمت تل‌آویو و حيفا پرتاب می‌شوند. به نظر می‌رسد با توجه به تحولات چند هفته گذشته، اکنون اسرائیل مدعی است که «محور مقاومت» در گیر نوعی سردرگمی است و شاید در روند این محاسبه، فکر می‌کند شانس بزرگی برای گشودن جبهه شمالی جدید به دست آورده است. این درحالی است که نتانیاهو احتمالاً هدف بزرگ‌تری را در سر می‌پروراند: رودررو قرار دادن تهران و واشنگتن با گشودن جبهه‌های سهمگین‌تر در لبنان و احتمالاً سوریه و عراق. برخی از مفسران اسرائیلی پیشتر این هدف قریب‌الوقوع اسرائیل را جنگ سوم لبنان (پس از جنگ‌های 1982-2000 و 2006) نامیدند. با توجه به تعداد شهدای حزب‌الله،

دست‌کم 600 نفر تا زمان نگارش این گزارش، به نظر می‌رسد جنگ تمام عیار هم‌اکنون هم در حال رخ دادن است، هر چند هنوز اسراییل حمله زمینی به لبنان را کلید نزده است. در ادامه، وود مدعی است پیروزی قانع‌کننده برای نتانیاهو در جنگ با حزب‌الله، احتمالاً با میانجی‌گری امریکا جهت ایجاد توافق آتش بس جدیدی با حزب‌الله محقق می‌شود، توافقی که به شلیک موشک و راکت‌های حزب‌الله به شمال اسراییل (سرزمین‌های اشغالی) پایان می‌دهد. این تلاش‌ها از سوی آموس هوخشتاین، تاجر سابق امریکایی-اسراییلی رهبری می‌شود. اما به نظر می‌رسد تلاش‌ها دست کم تاکنون بی‌نتیجه بوده است. اسراییل از حزب‌الله می‌خواهد که از مرز به کرانه شمالی رودخانه لیتانی عقب‌نشینی کند. امری که بعید است حزب‌الله آن را بپذیرد، چراکه خود را مدافع مردم و خاک لبنان در مرز جنوبی‌اش می‌داند. با شروع جنگ در غزه، حزب‌الله به کمک حماس شتافت و عقب‌نشینی و توقف درگیری‌ها را به منزله اعتراف به شکست «محور مقاومت» می‌داند. اسراییل مدعی است با طراحی و اجرای عملیات ترور رهبران حزب‌الله می‌تواند این بازیگر را از پرتاب راکت و موشک به شهرهای اسراییلی منصرف کند. اما به نظر می‌رسد چنین فرضیه‌ای از اساس اشتباه باشد. حزب‌الله در ساعات پس از تایید خبر شهادت سید حسن نصرالله، شهرهای اسراییلی را با موشک‌های بالستیک و راکت‌های دوربرد هدف قرار داد. پس به نظر حزب‌الله همچنان توانایی ناامن کردن شهرهای اسراییل و دفاع از خود در جنگ زمینی را دارد. در چنین شرایطی اگر دولت بایدن پیامی قاطع به رژیم اسراییل داده و بگوید ایالات متحده سلاح و بودجه برای جنگ اسراییل علیه حزب‌الله ارائه نخواهد کرد، شاید جنگ منطقه‌ای متوقف شود. اما بایدن درگیر انفعال است و در این امر به اسراییل فرصتی بی‌نظیر برای آغاز جنگ منطقه‌ای داده است. تاکنون، اقدامات ایران و حزب‌الله نشان داده‌اند که علی‌رغم اقدامات تحریک‌آمیز اسراییل، ترجیح می‌دهند از رویارویی مستقیم اجتناب کنند. مسعود پزشکیان، رییس‌جمهور ایران و همچنین دیگر مقامات در ایران بارها گفته‌اند در «تله» اسراییل برای گسترش جنگ و کشیده شدن پای ایران به آن نخواهند افتاد. این درحالی است که اسراییل با هدف قرار دادن بالاترین مقام حزب‌الله، سید حسن نصرالله، تنش را به بالاترین سطح رسانده است. تاکنون، حزب‌الله نیز به‌طور مداوم تلاش کرده از جنگ تمام عیار دور بماند. اما به نظر می‌رسد هدف اسراییل، چیز دیگری است: رویارویی مستقیم ایران و ایالات متحده در منطقه هدف اصلی اسراییل از گسترش تنش‌هاست. وود در ادامه هشدار می‌دهد فرصتی خطرناک در داخل کابینه اسراییل ایجاد شده که می‌تواند حزب‌الله را به جنگی بزرگ بکشاند. جنگ بین حزب‌الله و اسراییل منجر به کشته

شدن ده‌ها هزار نفر و ایجاد يك بحران انساني خواهد شد. اين امر همچنين سفارت امريكا در بيروت و امنيت هزاران شهروند امريكايي در لبنان و اسراييل را به خطر خواهد انداخت و مي‌تواند 86 هزار شهروند امريكايي را در لبنان به دام بيندازد و آنچه در سال 2006 در طول جنگ 34 روزه اسراييل با حزب‌الله رخ داد، تکرار شود. حتي اگر اسراييل بتواند در اقدامي پيشگيرانه بخش عمده‌اي از زرادخانه موشكي حزب‌الله را نابود يا رهگيري کند، باز هم با چالش برخورد با توان رزمي و لجستيكي بالاي حزب‌الله مواجه است. در اين شرايط، اسراييل دست به دامان ايالات‌متحده خواهد شد. امريكا که پيوندي راهبردي با اسراييل در منطقه دارد، خواه ناخواه به جنگي کشيده ميشود که بارها از آن پرهيز کرده است. از سوي ديگر، بالا بردن تنش در لبنان و ساير نقاط منطقه ممکن است ايران را به واکنش متناسب وادارد. اما در شرايطي که مسعود پزشکيان، رييس‌جمهور جديد ايران بر تعامل سازنده با غرب تاکيد دارد و در نطق مجمع عمومي سازمان ملل از غرب خواست با احترام به ايران بنگرند و راه تعامل را مسدود نکنند، به نظر ميرسد تهران درصدد است به شکلي ديگر به اسراييل پاسخ دهد. صبر استراتژيك ايران در شرايط کنوني در همين راستا ارزيابي ميشود. آنچه مشخص است، راهبرد اسراييل براي کشيده شدن پاي ايالات‌متحده و ايران به ميدان جنگ است و به نظر در اين راه دست به قمارهاي بزرگي همچون ترور اسماعيل هنيه در تهران و سيد حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله در بيروت زده است.

3- وال استريت ژورنال: ترور سيد حسن نصرالله حملات مقاومت عليه اسراييل را متوقف نخواهد کرد

روزنامه وال استريت ژورنال در مقاله‌اي به پيامدهاي ترور سيد حسن نصرالله، رهبر حزب‌الله پرداخته است و معتقد است اکنون تمامي گروه‌هاي مقاومت در منطقه در حمايت از حزب‌الله عليه اسراييل و امريكا بسيج شده‌اند. اين روزنامه مي‌نويسد، نصرالله از نظر هوادارانش شخصيتي فرهنگي و ستايش برانگيز داشت و گروه‌هاي مقاومت در منطقه به او وفادار بودند. از نظر دشمنانش، او رهبري جرياني را برعهده داشت که دشمن قسم خورده اسراييل و ايالات‌متحده بود. فواز گرجس، پژوهشگر امور خاورميانه و استاد روابط بين‌الملل در دانشکده اقتصاد لندن به وال استريت ژورنال گفت که «نصرالله قلب تپنده حزب‌الله» است. نصرالله بيش از سه دهه پيش و در پي ترور سيد عباس موسوي، رهبر پيشين اين جنبش از سوي اسراييل در سال 1992، رهبري حزب‌الله را برعهده گرفت. او حزب‌الله را از گروه نظامي

کوچکی به حزب سیاسی با نفوذی در دولت لبنان بدل کرد و شاخه‌های آن را در سال‌های اخیر به سوریه، عراق، و یمن نیز گسترش داد. بسیاری در سراسر خاورمیانه از او به عنوان رهبر مورد احترام یاد می‌کنند که دو بار اسرائیل را در میدان نبرد متوقف کرده بود؛ یک بار در یک مبارزه چریکی هجده ساله که به اشغال جنوب لبنان از سوی اسرائیل پایان داد و سپس در سال 2006 در جنگ با اسرائیل که این رژیم را به بن بست کشاند و به عقب‌نشینی واداشت. وال استریت ژورنال در ادامه می‌نویسد که اکنون او به عنوان قهرمان مقابله با اشغالگری شناخته می‌شود و حامیان بسیار سرسختی در منطقه در میان مردم دارد. یک مقام ارشد اسرائیلی که روز جمعه در نیویورک سخنرانی می‌کرد، مدعی شد ترور نصرالله ضربه بزرگی به حزب‌الله وارد می‌کند. او مدعی است رهبری قاطع او در جلب نظر سایر گروه‌ها علیه اسرائیل در ماه‌های اخیر خیره‌کننده بوده است. این مقام اسرائیل مدعی شد بعضی افراد غیر قابل تعویض هستند، و سید حسن نصرالله نیز از آن جمله رهبران است. حال، که اسرائیل به ترور سید حسن نصرالله اقدام کرده است، شاید امید داشته باشد به نوعی حزب‌الله را در موضع ضعف قرار داده باشد. اما به نظر می‌رسد نفوذ معنوی رهبر حزب‌الله در میان گروه‌های مقاومت ادامه داشته باشد و تجربه سی ساله رهبری او بر حزب‌الله نیز به این گروه کمک کند به بازیابی و پرورش فرماندهان میدانی و بازسازی کادر رهبری بپردازد. برخی ناظران معتقدند اصولاً در میان گروه‌های مقاومت خاورمیانه، نفوذ معنوی فراتر از شخص است و با مرگ رهبری چون نصرالله این نفوذ و تجربه رهبری به حیات خود ادامه می‌دهد. به نظر می‌رسد، سهم سید حسن نصرالله در ایجاد «جبهه‌ای واحد» علیه اسرائیل نقش پررنگی در منطقه ایفا کرده و می‌کند. تحت رهبری سید حسن نصرالله، این جنبش از همان ابتدا با حماس هم‌صدا شد تا نشان دهد در ایجاد این جبهه واحد پیشقدم است و قادر است آن را رهبری کند. سایر گروه‌های مقاومت نیز از او تبعیت کردند و در لبنان نیز کادر رهبری و فرماندهی حزب‌الله نوعی همگرایی و هماهنگی قابل توجهی را تجربه کردند. مهند هیگه علی، معاون مرکز خاورمیانه مالکوم اچ. کر کارنگی، موسسه تحقیقاتی در بیروت به وال استریت ژورنال گفت که در حال حاضر، حزب‌الله این رهبری را در سطوح نظامی و امنیتی شکل می‌دهد. آنها در حال پرورش نسل جدیدی از فرماندهان و رهبران مقاومت هستند. بنابراین، ترور رهبر حزب‌الله، در بلندمدت، نمی‌تواند تاثیر ماهوی بر حزب‌الله داشته باشد. قاسم قصیر، تحلیلگر لبنانی نزدیک به حزب‌الله نیز به وال استریت ژورنال گفت که البته فقدان تجربه یک عنصر منفی است، اما این حزب کادرهای زیادی دارد. چالش‌ها و فشارهای فوق‌العاده‌ای

وجود دارد، اما در مورد توانایی‌های گروه، اطمینان خاطر وجود دارد که بتواند به سرعت خود را بازیابی کند.

۱۴۰۳ ۹ ۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰۰۰ ۰۰۰۰۰